مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۱۱ ، بهار ۱۳۹۷جلد۲، ص ۵۱۲-۵۰۲
http://www.jhss.ir

نقش طبقه متوسط جدید در جنبش (انقلاب اسلامی-۱۳۵۷)

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال چهارم)
شماره ۱۱ / بهار ۱۳۹۷ / ص ۵۱۲-۵۰۲

اصغر غفاری پور[۱]، مجید رضا کریمی[۲]

[۱]دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی. دانشگاه ازاداسلامی. جهرم.

[۲] استادیارگروه علوم اجتماعی. دانشگاه ازاداسلامی واحد جهرم.

نویسنده مسئول:

اصغر غفاری پور

چکیده

مقاله حاضر، پژوهشی درزمینه جامعه‌شناسی تاریخی و نقش طبقه متوسط جدید در جنبش انقلابی ۱۳۵۷ در ایران است. از اطلاعات تاریخی به‌عنوان شواهد عینی استفاده‌شده است. در سیر تکوینی مناسبات و روابط بین گروه‌ها و اقشار، طبقه‌ای به نام طبقه متوسط جدید شکل گرفت. در این مقاله، نقش طبقه متوسط جدید و جنبش اجتماعی مردم ایران در انقلاب اسلامی به تصویر کشیده می‌شود. هدف پژوهش نیز رسیدن به این مطلب است که این قشر به‌عنوان ستون و اساس جنبش انقلابی (۱۳۵۷) شناخته می‌شود. با نگاهی جامعه‌شناسی می‌توان گفت: که تشکل‌های اجتماعی از افراد و روابط بین آن‌ها و جامعه تشکیل یافته است. بنابراین، جنبش‌های اجتماعی نیز رفتارهای جمعی سازمان‌یافته با اهداف خاصی هستند، اگرچه عملکردهای مورد انتظار جنبش اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود بستگی به فعالیت‌ها و هماهنگی عوامل تشکیل‌دهنده آن دارد. در این مقاله نقش این طبقه در جنبش انقلابی (۱۳۵۷) موردپژوهش است. مقاله حاضر یک کار کیفی است و از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده‌شده است. یافته‌ها نیز نشان می‌دهند که طبقه متوسط جدید در جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان یکی ازتاثیرگذارترین اقشار شناخته‌شده‌اند. اگرچه نگرش این طبقه بیشتر به مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز وجود دارد.

کلمات کلیدی: طبقه متوسط جدید، جنبش‌های اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران.

مقدمه

در سپهر سیاسی اجتماعی قرن بیستم، تحولات و دگرگونی‌هایی در برخی نقاط جهان اتفاق افتاد. ازجمله به مهم‌ترین آن‌ها می‌توان اشاره داشت در حوزه نظامی جنگ جهانی اول، در حوزه سیاسی و اجتماعی انقلاب اکتبر و پیروزی کمونیسم، صعود نازی‌ها در آلمان و قدرت‌نمایی آن‌ها، و یا در بعد اقتصادی بحران و دوره رکود در اواخر دهه ۲۰ میلادی در آمریکا و... که البته تأثیرات شگرفی بر جامعه، گروه‌ها و اقشار، برجای گذاشت.

همراه با این وقایع وبه موازات آن در مناسبات و روابط طبقاتی، تحولاتی در زندگی اجتماعی تأثیرگذار بود، و آن ظهور و تکوین طبقات نوینی در جامعه که بیشتر از سبک و سیاق مادی (اقتصادی) پیروی می‌کرد، تا ویژگی‌های فرهنگی یا اجتماعی. این طبقه به نام طبقه متوسط مشهور گشت و مسیر رو به رشدی را پیمود. با آغاز و پیدایی طبقات متوسط وجدید، برخی پژوهشگران در این زمینه مطالعاتی انجام داده‌اند، ازجمله محققان غربی که محل جغرافیای تحقیق آنان مناطقی چون خاورمیانه (ایران و مصر) و برخی کشورهای امریکای لاتین بوده است. (ادیبی،۱۲:۱۳۵۸)

طبقه متوسط جدید، یک طبقه اجتماعی و البته نامتجانس، که غالب اعضا آن از گروه‌های متفاوت اجتماعی هستند. این قشر یک نیرویی در جهت نو کردن جامعه محسوب می‌شود. امروزه می‌توان گفت که این طبقه دارای منزلت و موقعیت اجتماعی متعددی است که صرفاً بر شرایط اقتصادی آن‌ها دلالت ندارد بلکه موقعیت شغلی، فرهنگی واداری در کنار خصیصه اقتصادی، وجه مشخصه (طبقه متوسط جدید) است.

در ایران نیز ظهور طبقه متوسط جدید باروی کار آمدن پهلوی اول، همراه است. در آن زمان، افرادی در دستگاه‌هایی: چون ارتش (افسران)، فرهنگ، عدلیه (و قضات)، مالیه (سرمایه‌داران و صاحبان حرف) و.. باویژگیهایی چون شیوه زندگی، شرایط سکونت، میزان تحصیل، منزلت اجتماعی و.. به‌عنوان طبقه‌ای جدید مشهور شدند.

درزمان پهلوی دوم نیز بسط دیوانسالاری، گسترش آموزش‌وپرورش و.. باعث فزونی این طبقه گردید. در این دوره شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت در تحولات ساختاری آن تأثیر مهمی داشت. بدین گونه که از سازماندهی و مشارکت برخی طبقات و گروه‌ها در فعالیت‌های سیاسی جلوگیری به عمل می‌آمد. ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و نهایتاً مبارزات مردم ایران در انقلاب ۱۳۵۷، فصل جدیدی از مشارکت و همگرایی گروه‌ها، طبقات سنتی و جدید در کنار یکدیگر را رقم زد. بنابراین نقش طبقه متوسط جدید در جنبش‌های مذکور، اهمیت پیدا می‌کند. در این مقاله سعی شده نقش این قشر در جنبش اجتماعی (انقلاب اسلامی) موردبررسی قرار گیرد.

بیان مسئله

ظهور طبقه متوسط جدید محصول نوسازی است. نوسازی در ایران و در مفهوم مدرن آن به دوره پهلوی اول و بعدازآن برمی‌گردد. در این دوره به لحاظ شرایط خفقان شدید، از تشکیل احزاب جلوگیری می‌شد. بنابراین خواسته‌ها این طبقه به منصه ظهور نرسید. به‌مرورزمان، طبقاتی با گرایش‌های نو در جامعه ظاهر شدند که در اصطلاح، طبقه متوسط جدید نام گرفتند. رشد نظام بوروکراتیک (دیوانسالاری) و نیاز به مدیران و تکنیسن ها در همه سطوح و گسترش سواد به سبک غرب، منجر به پیدایش این طبقه گردید.

در دوره پهلوی دوم، تا حدودی بستر و فضای اجتماعی سیاسی باز شد. "در این دوره، برنامه سکولاریستی و مدرنیزه شدن به‌شدت ادامه یافت."(اشرف) در عرصه سیاسی، تشکل‌هایی با گرایش‌های مذهبی و چپ، فعالیت‌های این طبقه را بیشتر می‌کرد. این گروه‌ها در مخالفت با برخی اقدامات شاه (و دربار) در جریان ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فعال بودند. البته روحانیت نیز به‌عنوان یک قشر با این جریانات هماهنگ، و با رژیم مخالفت می‌کرد.

نقش طبقه متوسط جدید در جنبش‌های اجتماعی درهم‌تنیده است. جنبش‌های اجتماعی در دگرگونی‌ها و تغییرات جامعه اهمیت دارند. نگرش سیاسی افراد در این جنبش‌ها نیز تا حدودی تعیین‌کننده است. پس زمانی که در نگرش سیاسی افراد یک جامعه تغییر صورت پذیرد، درنتیجه جنبش‌های اجتماعی در طرفداری و یا مخالفت با وضع موجود نیز به وجود می‌آیند. البته که نگرش افراد جامعه هیچ‌وقت ثابت نیست و در همه حال رو به تحول است.

درجنبشهای اجتماعی، رهبری، ایدئولوژی، فرصت سازمانی، بسیج و.. به درجاتی (کم-متوسط-زیاد) دیده می‌شود. مباحث جنبش‌های اجتماعی با انقلاب پیوند نزدیک دارد. در نیمه دوم قرن بیستم که بحث جنبش‌های اجتماعی مطرح گردید، این امر به‌صورت بحث اصلی اندیشمندان اجتماعی درآمد. البته قدمت جنبش‌های اجتماعی به اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردد. ابتدا بحث جنبش‌ها با موضوعات زیست‌محیطی و انرژی هسته‌ای صورت گرفت. یعنی حامیان محیط‌زیست که به تصور برخی افراد فقط به کشورهای پیشرفته منحصر (و محدود) شده بود، ولی علیرغم آن در اکثر نقاط جهان فراگیر شد.

بنابراین ریشه این جنبش‌ها را بایستی در اروپای ۱۹۶۰ به این‌سو، جستجو کرد. البته تظاهرات این جنبش‌ها پس از مدتی به آمریکا نیز کشیده شد. دلاپورتا در این زمینه معتقد است که:"معترضین به مسائل زیست‌محیطی و انرژی هسته‌ای را در ۱۹۷۵ و ۱۹۸۹، بیست وچهاردرصد مجموع فعالیت‌های اعتراض‌آمیز را تشکیل می‌دهند."(دلاپورتا:۴۵) جغرافیای مکانی معترضان بیشتر در کشورهای آلمان، فرانسه، سوئیس، هلند، انگلستان و آمریکا بوده است. بنابراین خاستگاه جنبشهای اجتماعی عمدتاً در غرب و به‌ویژه اروپا است. فعالیت غالب این جنبش‌ها در کشورهای اروپایی بود تا دیگر نقاط جهان. مانند جنبش دانشجویی، حقوق مدنی، جنبش زنان و یا منع گسترش سلاح هسته‌ای و..

اگرچه خواست ظاهری این جنبش‌ها در ابتدا به طرفداری از محیط‌زیست و یا قضیه مسائل هسته‌ای بود، ولی تغییر و تحول اساسی در بطن برخی مطالبات گروه‌ها باعث گردید که به مسائل سیاسی و اجتماعی و...نیز پرداخته شود. به‌بیان‌دیگر، افراد و گروه‌هایی که مطالبات اجتماعی و سیاسی را در سر پرورانده و خواهان تغییر بنیادی در جامعه بودند.

اهداف تحقیق

هر پژوهشی دارای مقاصد خاصی است که باید در تحقیق انعکاس یابد. در این مقاله نیز به دنبال هدف کلی هستیم و آن نقش طبقه متوسط جدید و ارتباطان با جنبش‌های (اجتماعی) است.

ادبیات پژوهش

از ویژگی‌های جامعه‌شناسی طبقات و جنبش‌های اجتماعی، مفاهیم و کلماتی است که در این شاخه جامعه‌شناسی نهفته است. کلمات و واژه‌ها درزمینه طبقات و جنبش‌های اجتماعی، وتفاسیرآنها پایان‌ناپذیر است. واژه‌ها و مقولاتی مثل انقلاب، نگرش سیاسی، تغییرات بنیادین، وضعیت آنومی، نوسازی جامعه، ایدئولوژی، وجودرهبرکاریزما، سازمان، مبارزه طبقاتی، نفی استبداد، آزادی، نابرابری، نوستالژی، شورش و اعتراض، اصلاحات، ساختار، گزینش عقلانی، سمبل‌ها، اندیشمندان و روشنفکران، هنر، رسانه‌ها و ارتباطات، خشونت و صدور انقلاب درهرجنبشی خودنمایی می‌کند. مروری بر آثار و تحقیقات گذشته که مرتبط با موضوع باشد می‌تواند بر غنای مطلب بیفزاید.

ساده‌ترین تقسیم در این زمینه تفکیک طبقاتی است. قشرهایی به‌عنوان لایه‌های میانی بین طبقات وجود دارند. مهم‌ترین قشر، به‌عنوان طبقه متوسط به دوطبقه متوسط سنتی وجدید تقسیم‌شده است.

برخی پژوهشگران داخلی به این موضوع اشاره داشته‌اند ازجمله ادیبی (۱۳۵۸) و یا اشرف (۱۳۹۲)، جلال آل احمد نیز از جریان روشنفکری به‌عنوان یک قشر متوسط جدید در میان طبقات ایران نام می‌برد.(۱۳۴۴) همایون کاتوزیان نیزدرچند اثر خود، دگرگونی طبقات را بررسی کرده و معتقد به تأثیرات این طبقه (متوسط) از شیوه تولید آسیایی مارکس است. (کاتوزیان.۱۳۸۰) و یا بهداد ونعمانی (۱۳۹۴)، محمدرضا عیوضی، جلایی پور، لهسایی زاده و.. به‌نوعی از وجود طبقات جدید سخن به میان آورده‌اند.

البته که خاستگاه و وجود طبقه متوسط جدید در غرب، به‌ویژه در کشور آمریکا است. برای پرهیز از اطاله کلام بطورفشرده به چند مورد در این زمینه اشاره می‌گردد. سی رایت میلز برجسته‌ترین تئوریسین طبقه متوسط جدید معتقد است که:"این طبقه (متوسط جدید) در آینده حاکمیت رابدست می‌گیرد."(ادیبی،۱۳۵۸:۲۴) البته نظریه وی معطوف به کشورهای غربی است. وی در کتاب یقه سپیدان، چارچوبی تحلیلی را ارائه می‌دهد و طبقه متوسط را درچهارگروه طبقه‌بندی می‌کند.

دارندورف نیز از وجود طبقات متوسط جدید و دگرگونی و تغییراتی که بر این طبقه عارض گشته است، سخن می‌گوید. وی بحث اقتدار را در روابط طبقاتی دخالت می‌دهد وبر این باور است که در جامعه مابعد سرمایه‌داری، طبقه متوسط رشد خواهد کرد.

همچنین دیگر نظریات پژوهشگران غربی چون لنسکی در مورد قدرت و امتیاز، اریک اولین رایت در مورد جایگاه متناقض طبقاتی، پارکین درباره طبقه میانی و ترکیب دو نوع انسداد، گیدنز و ساخت طبقاتی جوامع پیشرفته، پولانتزاس و نظریه طبقه اجتماعی و عدم‌جامعیت یکپارچه و.. همگی در تفسیر، تشریح و ارزیابی قشر متوسط جدید، سخن گفته‌اند.

تحلیل جنبش‌های اجتماعی نیز از دیگر موضوعات این مقاله است. زاهد یازده تعریف از جنبش‌های اجتماعی را آورده است. (زاهد،۱۳۸۹:۲۰) برخی افراد، رفتار جمعی را در جنبش‌های اجتماعی مهم قلمداد می‌کنند، مانند اسملسر، و برخی دیگر جنبش اجتماعی و تغییرات اجتماعی را با انقلاب یکی می‌دانند مانند آلن تورن، و یا به عقیده چارلز تیلی جنبش اجتماعی مجموعه خاص اعتقادات است (یعنی جنبه مذهبی) و دیگرانی که با تعابیر مختلف به این مقوله پرداخته‌اند.

جنبش‌های اجتماعی دارای انواعی است. مثلاً افرادی مثل بلومر، اسملسر، تورن و رابرتسون هرکدام به تقسیم‌بندی‌هایی در این زمینه دست‌یافته‌اند. امروزه بحث جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان بخشی از بحث‌های عمومی درزمینه رفتار جمعی مطرح است. این نظریه در دهه ۱۹۲۰ توسط مکتب شیکاگو شکل گرفت. در جنبش‌های اجتماعی به‌طورقطع، ایدئولوژی، کنشگران (رفتار آن‌ها) و زمینه اجتماعی سه عامل مهم قلمداد می‌شوند. معمولاً جنبش‌ها باهدف تأثیرگذاری و تغییر در عرصه‌های گوناگون و در مسیر رخدادها، به وجود می‌آیند.

جنبش‌های اجتماعی دارای خصلت‌هایی نیز هستند ازجمله:" این جنبش‌ها حول محور یک یا چند تضاد شکل می‌گیرند، آموزه‌ها و شعارهای مشترکی دارند، روابط میان طرفداران و هواداران به حالت غیررسمی (غیردولتی) درمیان همفکران و دوستان است، و در تمامی جنبش‌ها باید امکان شکل خاصی از اعتراض جمعی و سیاسی وجود داشته باشد."(زاهد:۱۳۸۹)

در واقعیت‌های اجتماعی، فرد و جامعه و شبکه روابط بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. فاعلین (همان) کنشگرهای اجتماعی هستند و نظام اجتماعی نیز پدیده‌ای با آثار و ترتیبات خویش است و شبکه روابط نیز به‌عنوان ساخت‌ها، سازمان‌ها و...قلمداد می‌شوند. پیامدهای آن رفتارهای جمعی است. در جنبش‌های اجتماعی، رفتار جمعی و اعمال عقلانی و اعتراضات، بعد سمبلیک در عمل جمعی وان هم در حیطه ارزش‌ها به چشم می‌خورد. در جنبش اجتماعی به مسئله هویت نیز اشاره می‌شود. ولی درکل نتیجه جنبش اجتماعی نوعی تغییرات در جامعه است که باید اتفاق افتد و تقریباً به مجرایی برای رسیدن به دمکراسی است.

گیدنز تعریف جامعی از جنبش اجتماعی به دست می‌دهد. وی می‌نویسد:"کوشش جمعی در جهت منافع مشترک یا نیل به هدفی مشترک از طریق کنش جمعی خارج از محدوده نهادهای تثبیت‌شده اجتماعی." (همان. ۱۹)

در کلیت جنبش‌های اجتماعی، قیام، نهضت و انقلاب با اصل جنبش درهم‌تنیده است. امروزه در نزد علمای سیاسی، جامعه شناسان سیاسی و انقلابات، رویکردهای جدیدی در ارتباط و هماهنگی میان قیام و انقلاب با جنبش وجود دارد. یعنی از تجربه‌های عینی به‌دست‌آمده، باعث جهت‌گیری هرکدام از اندیشمندان سیاسی به جنبه‌ای از جنبش شده است. و البته به نقش احزاب، توده‌ها (طبقات)، رسانه‌ها و...توجه بیشتری شده است. جنبش‌های اجتماعی بایستی از ویژگی‌هایی برخوردار باشند. این ویژگی‌ها به‌صورت مشترک در تمامی آن‌ها نمود، دارد. جلایی پور به برخی از این ویژگی‌ها اشاره دارد. ازجمله "جنبش‌ها حول یک یا چند تضاد و شکاف در جامعه شکل می‌گیرند مانند شکاف سیاسی، قومی و... نکته دوم آموزه‌ها و ایده‌ها و شعارهای مشترکی است که باید شکل‌گرفته باشد و هواداران جنبش در جریان قبول و استقبال از این آموزه‌ها نسبت به یکدیگر احساس آگاهی و همبستگی کنند. نکته سوم روابط بین طرفداران جنبش فقط به احزاب و نهادها متکی نیست بلکه، به شبکه وسیع روابط غیررسمی درمیان همفکران و دوستان اتکای اساسی دارد. نکته آخر اینکه در تمامی جنبش‌ها باید امکان شکل خاصی از اعتراض جمعی و سیاسی وجود داشته باشد."(جلایی پور،۱۳۸۱:۲۹)

بنابراین نظریات گسترده مارکس در مورد انقلاب و تضاد طبقاتی، نظریه و مدل چارلز تیلی، نظریه و تحلیل ملوچی، هانتینگتون، تجزیه‌وتحلیل آلبرکامو در فرایند نهیلیستی، نظریه دلاپورتا، ارزیابی و تجزیه‌وتحلیل اریک فروم در مورد انقلاب کودکان و نوجوانان، نظریه جان فوران و انقلاب و... درتانید و مصداق انقلاب، قیام و ریشه‌های آن و ارتباط با جنبش‌ها هست. به‌بیان‌دیگر، انقلاب پیوند ناگسستنی با جنبش اجتماعی دارد.

فرضیه تحقیق

می‌توان چندین فرضیه برای مقاله در نظر گرفت ازجمله:

-طبقه متوسط جدید گرایش به فعالیت سیاسی دارد.

-طبقه متوسط جدید نگرش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی در مقایسه با سایر طبقات دارد.

-طبقه متوسط جدید از اقشار گوناگونی تشکیل‌شده است که بین آن‌ها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.

-طبقه متوسط جدید در جنبش‌های (اجتماعی) حضورداشته و فعال است.

روش تحقیق

هرزمینه پژوهش اجتماعی نیازمند روش تحقیق است. مقاله حاضر یک نوع پژوهش در زمینه جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی و تاریخی است. این پژوهش یک کار کیفی است وازتکنیک اسنادی (کتابخانه‌ای) استفاده‌شده است. هدف محقق نیز آن است که ازلحاظ نظری به توضیح کامل درباره یک پدیده خاص نائل آید. بنابراین محقق ممکن است داده‌ها را از طریق مصاحبه، مشاهده، مراجعه به اسناد یا ترکیبی از منابع و... جمع‌آوری کند.

هدف این پژوهش نیز رسیدن به نتیجه‌ای است که: نقش طبقه متوسط جدید در جنبش انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را تبیین نماید.

چارچوب نظری

در مقاله حاضر به‌طور خلاصه از نظریات برخی اندیشمندان و علمای اجتماعی و سیاسی در دو بخش طبقه متوسط جدید جنبش‌های اجتماعی استفاده‌شده است.

پژوهشگران سیاسی و جامعه‌شناسانی مانند: مارکس، سی رایت میلز، موربرگر، هالپرن، جیمزبیل، لدرر، دارندورف، پولانتزاس، جان کوربین، لاسول، بندیکس، نیکی هدی، وارنر، گورویچ، لنسکی، پارکین، گلدنر وگیدنز در مورد طبقات و مارکس، اسملسر، چارلزتیلی، هانتینگتون، آلبرکامو، اریک فروم، جان فوران، جانسون، اسکاچپول، مانهایم، هاناآرنت، دوتوکویل، کرین برینتون، کوهن، دیویس، آدلر، سوروکین، اریکسون، دانیل بل، تافلر، کاستلز، روزنا و دلاپورتا درباره جنبش‌های اجتماعی، جهت‌گیری، نظریه‌پردازی، تحقیق و تحلیل داشته‌اند. بنابراین برای پرهیز از اطاله کلام فقط به دو مورد که در ارتباط به طبقه متوسط جدید و جنبش‌های اجتماعی است، پرداخته می‌شود.

نام طبقات و جنگ طبقاتی در نیمه دوم قرن نوزدهم و با قرائت‌های مهم مارکس، در این زمینه به بحثی مهم در محافل علمی، اجتماعی و سیاسی بدل گردید. در اغلب آثار مارکس به وجود طبقه اشاره‌شده است. وی مهم‌ترین تئوریسین، با گفته پرآوازه خود یعنی تاریخ تمام جوامعی که تاکنون وجود داشته‌اند، تاریخ مبارزه‌های طبقاتی است، به این مباحث جانی دوباره بخشید. جالب است که بدانیم:"در تمام آثار مارکس از طبقه به‌روشنی تعریف‌نشده است."(دوورژه، ۲۲۵:۱۳۷۲)

در نگاه مارکس بیشتر عینیت دوطبقه لحاظ گردیده است مثل سرمایه‌دار و پرولتاریا – ارباب و رعیت و... مارکس دریکی از آثار خود بر این باور است که در کشورهای غربی که نظام سرمایه‌داری حاکم است طبقه متوسط، قدرتی بین طبقه سرمایه‌دار و پرولتاریا در اختیار دارد. در حد واسط سرمایه‌دار و پرولتاریا، پنج قشر در طبقه متوسط در این کشورها (سرمایه‌داری) به چشم می‌خورند ازجمله: تولیدکنندگان کوچک و خرده‌مالکان، واسطه‌ها مثل (عمده‌فروشان و خرده‌فروشان)، کارکنان بنگاه‌های سرمایه‌داری، مشاغل آزاد چون (وکلا، پزشکان و روزنامه‌نگاران) و قشر پنجم کارمندان دولت و افسران.

در اهمیت موضوع اینکه طرز نگرش و جهت‌گیری مارکس نسبت به طبقه و طبقه متوسط باعث شد تا اندیشمندان و علمای سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناسی بعد از وی، از تأثیرگذارترین این نحله فکری باشند. تاجایی که ردپای فکری و آموزه‌های مارکس در توجیه طبقه متوسط جدید و جنبش‌های اجتماعی دیده می‌شود.

همچنین بعد و شاخص طبقه متوسط در برخی کشورها مورد کنکاش بوده است. مقاله‌ای از کاراس در این مورد در برخی کشورهای درحال‌توسعه و اقتصادهای نوظهور، از زاویه طبقه متوسط موجود است. وی درباره کشور چین و هند بدین گونه توضیح می‌دهد که:"مصرف‌کنندگان چینی که طبقه متوسط نوظهور آن به‌طور تصاعدی گسترش‌یافته‌اند، از این امکان بالقوه برخوردارند تا به منبع درازمدت و جدیدی برای تقاضای جهانی تبدیل شوند. و..."(هومی کاراس)

چارلز تیلی نیز از متفکرین (انقلاب) و از تئوریسین‌های جنبش‌های اجتماعی است. وی براین باور است که در برخی رفتارهای سیاسی مثلاً انتخابات ملی درکشورهای غربی چون انگلیس و فرانسه و.. حق رأی در تمامی موارد اجتماعی و سیاسی، گسترش و روزافزونی بحث‌های سیاسی، تشکیل احزاب و گروه‌ها و انجمن‌ها باعث پیدایی و بسط جنبش‌های اجتماعی گردیده است. تیلی جنبش اجتماعی را با انقلاب ربط داده و معتقد است که:" انقلاب‌ها دارای دو جز هستند: وضعیت‌های انقلابی و نتایج انقلابی. البته هر دو با یکدیگر، انقلاب‌ها را می‌سازند."(رهبری:۱۳۹۳)

چارلز تیلی تحت تأثیر دیدگاه‌های مختلف ازجمله: نظریه تعارض و نو مارکسیستی درباره اقدام‌های جمعی، جنبش‌های اجتماعی، جنگ و انقلاب‌ها قرار داشت. به نظر کسلر:"البته که چارلز تیلی برداشت و رویکرد کارکرد-ساختارگرایی از دگرگونی اجتماعی را در برخی موارد نادرست می‌داند."(کسلر،۱۳۹۴:۲۶۸)

تیلی در آثار خود به جامعه‌شناسی تضاد، توسعه سرمایه‌داری و پرولتاریا، اعتراضات اجتماعی – سیاسی و تجمع‌ها و تحولاتی که به انقلابت اجتماعی –سیاسی منجر می‌شود، علاقمند است. عمده کارهای او در ابتدا با پژوهش‌هایی درباره فرانسه و انگلیس به موضوع شکل‌های مختلف کنش جمعی با استفاده از مدل تحلیل بحران می‌پردازد، و ماحصل چنین معرفتی ازنظر وی پیامدی دارد که کنش جمعی (اعمال) برای فرایند سیاسی جامعه نتیجه‌بخش است. مثلاً فعالیت‌های اعتراضی در محله‌ها و مناطق مختلف یا جنبش‌های اجتماعی و سیاسی تا انقلاب‌های ملی.

الگوهایی در فرایند جنبش اجتماعی و رسیدن به نتیجه نهایی وجود دارد. مثلاً تشکیلات، بسیج و... چارلز تیلی در گذار انقلابی از مدل بسیج استفاده می‌کند که مؤلفه‌های آن عبارتنداز: منافع، تشکیلات، بسیج، فرصت و کنش جمعی. مهدی رهبری فرضیه تیلی را این‌گونه بیان می‌کند:"فرضیه اصلی تیلی رابطه میان بسیج و کنش جمعی است. یعنی هرچه میزان بسیج در یک جمعیت یا سازمان بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن نیز بیشتر می‌شود."(رهبری:۱۳۹۳) اهمیت نظریه چارلز تیلی در جنبشهای اجتماعی، هزینه و فایده کنش جمعی است. بر اساس منطق عقلانی، پرداخت کمترین هزینه و بیشترین فایده باید حاصل گردد. بنابراین، جنبش اجتماعی بدنبال راه عقلانی و نتیجه بخش است. افراد و گروهها نیز که دست به عمل انقلابی می‌زنند کاملاً به این امر واقفند (یعنی به منافع خود می‌اندیشند) از این رو، عقلانی عمل می‌کنند یعنی که هم‌سود و هم زیان جنبش را برآورد می‌کنند و پیامد آن آینده‌نگری است. تیلی اعتقاد داردکه:" بیشتر فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی بر شکل‌های محلی و منطقه‌ای است. البته جهانی‌شدن در شکل دادن به توزیع این جنبش‌ها کمک می‌کند."(همان)

در تمامی جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، سیاسی باشدت و ضعف، مؤلفه‌های ذیل دیده می‌شوند ازجمله: انتقال قدرت از دولتی به دولت دیگر، فرهنگ مقاومت، رکود در اقتصاد به‌طور محدود، گفتمان نارضایتی جمعی، نقش سازمان‌ها و شبکه‌های ارتباطی، اسطوره‌های سیاسی، رهبری، ایدئولوژی، بسیج فراگیر، استحاله و دگرگونی در ارزش‌ها، تحول و دگرگونی و مبارزه طبقاتی، تغییر در ساختارها و نهادهای حاکمیتی، تغییر نخبگان اجرایی، خلق تئوریسین‌های جدید، بوجودآمدن اتحادیه‌ها و احزاب و سندیکا، طلب آزادی، دمکراسی خواهی، هویت‌یابی و مسائل مربوط به آن، اصلاحات، موقعیت‌های خاص، سمبل‌ها ونمادهای جنبش، نقش اندیشمندان و روشنفکران، مذهب، هنر، ادبیات پایداری، رسانه، صدور انقلاب و جنبش انقلابی و... به‌طور خلاصه در کمیت و کیفیت عوامل فوق و استفاده از آن‌ها، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد.

یافته‌ها

جنبش‌ها باهدف تاثیرگذاری در مسیر رخدادها و در جهت تغییر در آنها، دخالت می‌نمایند. در این سیرانقلابی نیز دگرگونی به انحا مختلف اتفاق افتاده است، چه به لحاظ تعریف طبقه متوسط جدید و یا به لحاظ عملکرد. همچنین با نگاه جامعه‌شناسانه می‌توان گفت که تشکل‌های اجتماعی از افراد (کنشگران) و روابط آن‌ها و جامعه تشکیل یافته است. بنابراین جنبش‌های اجتماعی نیز رفتارهای جمعی سازمان‌یافته با اهداف خاصی هستند و البته عملکردهای مورد انتظار جنبش اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود بستگی به کارها (فعالیت) دقیق و هماهنگ عوامل تشکیل‌دهنده دارد. در مطالعات اجتماعی ما با چندین عامل روبرو هستیم و هر واحد مربوط به یک پدیده اجتماعی در زمینه خودش دارای معنی است بنابراین جنبش اجتماعی با یک علت خاص نیستند.

در این خصوص به تعریف دقیق‌تر احمد اشرف درزمینه طبقه متوسط جدید نیز ارجاع می‌دهیم. وی معتقد است کارکنانی که در مواضع مدیریت و انجام دادن کار هماهنگ شده قرار دارند باهدف سرمایه و هم باهدف کار جمعی احساس همسویی می‌کنند. این افراد به‌عنوان کارمندان دولت و یا شاغل در بخش خصوصی به ایفای نقش پرداخته و از نوعی استقلال نسبی برخوردارند. البته با نگاهی دقیق ترو ملموس افرادی که در فعالیت‌های مختلف به‌ویژه در آموزش‌وپرورش، مهندسان و مدیران و بهداشت و پزشکی که جز طبقه متوسط جدید به‌حساب می‌آیند.

بهداد ونعمانی در اثر خود، ترکیب طبقه متوسط جدید قبل از انقلاب را این‌گونه ترسیم می‌کنند:"در طبقه‌بندی کارگزاران سیاسی، مقوله‌های گوناگونی را تشخیص می‌دهیم. قانون‌گذاران، قضات، مأمورین عالی‌رتبه اجرایی، امیران نیروهای مسلح، کارکنان حرفه‌ای و فنی که به منزله کارکنان اجرایی و مدیریتی و حرفه‌ای.. گروه‌بندی می‌شوند. تعداد آنان در سال ۱۳۵۵ به حدود شصت هزار نفر بود. آنان در موارد بسیاری ازلحاظ ویژگی‌هایشان شبیه کارکنان طبقه متوسط‌اند."(بهداد و،۱۵۳:۱۳۹۳) امروزه در این جنبش‌ها تغییراتی رخداده است. از این منظر که ظهور طبقه متوسط جدید و ایفای نقش آن‌ها در این جنبش اهمیت دارد. دلاپورتا در همین زمینه معتقد است که طبقه متوسط جدید به‌واسطه منافع و موقعیت اش، قادر به ایفای یک نقش محوری در منازعات جدید است.

در جنبش‌های اجتماعی که دردهه های اخیر در ایران اتفاق افتاده است مانند ملی شدن صنعت نفت و مبارزات تیرماه ۱۳۳۱، روزهای منتهی به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ونهایتا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نقش طبقه متوسط سنتی وجدید و ائتلاف آن‌ها با طبقه پایین جامعه، بسیار پررنگ و قابل‌تأمل بوده است.

آبراهامیان در ارتباط با همین موضوع می‌نویسد:"در انقلاب اسلامی ایران، هم‌طبقه متوسط سنتی و جدید از عوامل اصلی جنبش به‌حساب می‌آمدند و این طبقه متوسط جدید بود که انقلاب را آغاز کرد، نیرو داد و به آخرین مراحل رساند. حقوقدانان، قضات و روشنفکران با یکدیگر اتفاق نموده و انجمن‌های حقوق بشر تشکیل دادند. دانشجویان، بانکداران (کارمندان آن‌ها) و کارمندان دیگر ادارات، با اعتصاب و... چرخه اقتصاد را از حرکت بازداشتند و...رشد روزافزون جمعیت شهرها که بیشتر در حول‌وحوش طبقه متوسط جدید جریان داشت، به بدنه جنبش (انقلابی) پیوند خورد."(آبراهامیان:۱۳۹۲)

همچنین مخالفین شاه و نظام سلطنت، توسط طبقات متوسط سنتی و جدید و مردم عادی که از اقتدار علما پیروی می‌کردند، صورت گرفت. ازنظر آبراهامیان، طبقه متوسط سنتی شامل بازاریان و روحانیون بود که ستون فقرات آن به‌حساب می‌آمدند. اگرچه نقش طبقات کارگر و دانشجویان و کشاورزان نیز نباید نادیده گرفت. درنهایت این اقتدار و رهبری آیت ا.. خمینی و برخی عوامل دیگر و حمایت طبقات پایین و طبقه متوسط سنتی وجدید بود که این جنبش را به پیروزی رساند.

گفتمان سیاسی اجتماعی طبقه متوسط جدید نیز با عباراتی ازجمله گفتمان انقلابی گری در مقابل سکون، تغییر در مقابل ثبات، تحول و پویایی در مقابل ایستایی، عدالت در مقابل ستمگری و.. قرار داشت. خواست‌های این طبقه در مراحل بعدی به‌این‌ترتیب بود: توسعه، عدالت، دمکراسی، قانون‌گرایی، احیای قانون اساسی (مشروطه)، اصلاحات و...

این طبقه خواستار حاکمیت قانون برای همگان و ساختن کشوری ازاد و توسعه‌یافته است. طبقه متوسط جدید بیشتر تحت تأثیر جریان روشنفکری قرارگرفته و رسیدن به آمال و آرزوی های خود را در آزادی‌های سیاسی و فکری جستجو می‌کند. طبقه متوسط جدید محرک و موتور

پیش برنده وتاثیر گذار در توسعه سیاسی و اجتماعی است. این طبقه به‌عنوان سازمان دهنده تظاهرات و راهپیمایی‌ها در جنبش انقلابی مردم ایران شناخته می‌شود.

جنبش انقلاب اسلامی مردم ایران به‌عنوان جنبشی مردمی، مذهبی و ضد امپریالیستی می‌توان قلمداد نمود. بنابراین پیش از انقلاب جنبش حول شکاف حکومت و مردم شکل گرفت و حکومت شاهنشاهی بر پایه انتخاب مردم نبود. همچنین قبل از انقلاب هنجارها در قالب گفتمان اسلام انقلابی، طرفداران انقلاب را تغذیه فکری می‌کرد. پیش از انقلاب محافل و تشکل‌هایی چون روحانیت، دانشجویان و روشنفکران حضورداشته وآرمانهای انقلابی را پی گیری کردند ولی در بحبوحه انقلاب این مساجد و حسینیه‌ها بودند که به‌عنوان گسترده‌ترین روابط شبکه‌ای بین انقلابیون درآمدند. درنهایت از اواخر سال ۱۳۵۶، اعتراض میلیون‌ها نفر ایرانی به‌صورت راهپیمایی و تظاهرات درصحنه‌های مختلف به وجود آمد. همچنین در این جنبش، همه طبقات، اقشار و گروه‌ها ازهر طیف و مسلکی حضورداشته و اگرچه علیرغم اختلافات گسترده‌ای از حیث منزلت اجتماعی و یا ثروت داشتند.

یافته‌ها در این پژوهش نشان داد که فرضیات ما در مورد گرایش طبقه متوسط در فعالیت‌های سیاسی ازجمله جنبش اجتماعی انقلاب اسلامی، تنوع و گوناگونی طبقه متوسط جدید، نگرش‌های طبقه متوسط جدید نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به چشم می‌خورد. درنهایت حضور فعال طبقه متوسط جدید در جنبش انقلابی مردم ایران تأیید می‌شود. همچنین درتاثیرگذاری آنان، سازماندهی و مشارکت با دیگر اقشار و گروه‌ها و فعالیت سیاسی در انقلاب اسلامی حکایت دارند.

نتیجه

تحلیل ما زمینه اجتماعی انقلاب اسلامی با در نظر گرفتن تقابل بین دولت و ملت به‌حساب می‌آید. این اختلاف در شکل تضاد بین رژیم پهلوی و ایده حکومت نوخاسته اسلامی تحت اقتدار آیت‌الله خمینی خود رانشان داد. در سیر تکوینی مناسبات و روابط بین گروه‌ها و (اقشار)، طبقه‌ای به نام طبقه متوسط جدید شکل گرفت. در تاریخ جنبش انقلاب اسلامی ایران می‌توان به عوامل جامعه‌شناسی سیاسی نظر داشت ازجمله تقابل علما و اقشار متوسط و پایین جامعه با رژیم شاه، ارگان‌های مذهبی به‌عنوان سازمان‌های اصلی نهضت‌ها وفاعلین که غالباً پیروان شیعی‌مذهب از اقشار مختلف جامعه به‌حساب می‌آمدند. همچنین درزمینه جنبش‌های اجتماعی برخوردها ونگرش های متفاوتی وجود داشته و توافق کمتری نیز در آن دیده می‌شود.

در جنبش انقلابی اسلامی ایران (۱۳۵۷) ترکیبی ازنیروهای مذهبی، ملی‌گرا و گروه‌های چپ وجود داشت. اگرچه خواسته‌ها و مطالبات اجتماعی و سیاسی مذهبیون (شیعه) نسبت به گروه‌های دیگر کامل‌تر، قوی‌تر، مردمی‌تر و از انسجام بهتری برخوردار بود، چون از اکثریت قابل‌توجه جمعیت شیعه برخوردار بود.

با نگاهی جامعه‌شناسانه می‌توان گفت که تشکل‌های اجتماعی از افراد (کنشگران) و روابط بین آن‌ها و جامعه تشکیل یافته است. بنابراین جنبش‌های اجتماعی نیز رفتارهای جمعی سازمان‌یافته با اهداف خاصی هستند و البته عملکردهای مورد انتظار جنبش‌های اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود، بستگی به فعالیت دقیق و هماهنگ عوامل تشکیل‌دهنده دارد. جنبش‌های اجتماعی به‌نوعی با انقلاب‌ها، پیوند نزدیک دارند و این مورد در انقلاب اسلامی ایران نیز صادق است.

در کلیت جنبش‌های اجتماعی، مسئله قیام و انقلاب با اصل جنبش درهم‌تنیده شده است. امروزه در نزد جامعه شناسان سیاسی وانقلابات، رویکردهای جدیدی نیزدرهماهنگی و ارتباط انقلاب با جنبش وجود دارد و جنبه تخصصی پیداکرده است. پس در انقلاب اسلامی ایران، هم‌طبقه متوسط سنتی و هم‌طبقه متوسط جدید، از عوامل اصلی جنبش به‌حساب می‌آمدند و به زعم آبراهامیان، این طبقه متوسط جدید بود که انقلاب را آغاز و به آخرین مراحل رساند. طبقه متوسط جدید بود که به‌عنوان بدنه اصلی جنبش انقلابی ایران شناخته شد. درمجموع در جنبش انقلاب اسلامی ایران اقشار مختلف مردم اعم از طبقه متوسط سنتی و طبقه متوسط جدید و توده مردم در مقابله با استبداد متحد شده و یک نظام مقتدر را سرنگون کردند.

منابع

آبراهامیان، یرواند، (۱۳۹۵)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی وابراهیم فتاحی، چاپ بیست و پنجم، تهران، نشر نی.

ادیبی، حسین، (۱۳۵۸)، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.

----------(۱۳۵۸)، طبقات متوسط جدید در ایران، تهران، انتشارات جامعه.

اشرف، احمد، (۱۳۴۶)، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی در آمریکا، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.

----------و بنوعزیزی، (۱۳۹۲)، طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات نیلوفر.

آل احمد، جلال، (۱۳۵۷)، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران، انتشارات خوارزمی.

اباذری، یوسف و حسن چاوشیان، (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۲۷-۳.

بحرانی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه.

بشیریه، حسین، (۱۳۸۱)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات معاصر.

----------(۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ هفدهم، تهران، نشر نی.

بهداد، سهراب ونعمانی، (۱۳۹۳)، طبقه و کار در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه.

پی یر لاروک، (۱۳۵۸)، طبقات اجتماعی، ترجمه ایرج علی‌آبادی، چاپ دوم، تهران نشر فروردین.

تأمین، ملوین، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ دوم، تهران، نشر توتیا.

دلاپورتا، (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر.

زاهد، سعید، (۱۳۸۹)، جنبش‌های اجتماعی سیاسی معاصر، چاپ اول، تهران، انتشارات.

ریز من، لئونارد، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه محمدقلی پور، چاپ اول، تهران، نشرمرندیز.

رهبری، مهدی، (۱۳۹۳) جنبش‌های اجتماعی کلاسیک (مدرن/ پست‌مدرن)، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر.

کسلر، دیرک، (۱۳۹۴)، نظریه‌های روز جامعه‌شناسی، ترجمه کرامت ا... راسخ، چاپ اول، تهران، انتشارات آگه.

کاتوزیان، همایون، (۱۳۸۱)، تضاد دولت و ملت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران، انتشارات نی.

گرب، ادوارد، (۱۳۸۰)، نابرابری اجتماعی، ترجمه محمد سیاه‌پوش و احمدرضا غر وی زاد، چاپ دوم، تهران، نشر معاصر.

لهسائی زاده، عبدالعلی، (۱۳۷۷)، نابرابری و قشربندی اجتماعی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز.

Homi kharas and Geffrey Gertz

Draft version of Chapter in Chians Emerging Middle class: Beyond Economic Transformation (cheny li editor)Washinton.dc;Brookings institution press.2010(forthcoming).

-Markx Karel and friedrich Engles, 1930, The communist Mainfesto, London,Martin Lawrenc Limited.

-McLean,I,1996,oxfor politics Dictionary,oxford.

-Mills,c1969,"white coller" The American Middle cLasses, oxford university Press.